



فرانسه / رومانی / ماتئی ویسنی یک
ریچارد سوم اجرا نمی شود
یا صدقه هایی از زندگی مایر هولد
ترجمه ی اصغر نوری



نشری

سرشنا، ویسنيک، ماتئی، ۱۹۵۶-

Visniec, Matéi

عنوان و نام پدیدآور: ریدارد سوم اجرانمی شود یا صحنه‌هایی
از زندگی ما: هولا ارداشتی آزاد از آخرین کابوس فسوالد
مایر سود سال ۱۹۴۰، قبل از کشته شدن در زندان به
فرمان فرزند/ماتئی ویسنيک؛ ترجمه‌ی اصغر نوری

مشخصات نشر:

تهران، نشر نی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری:

۱۱۵ ص.

فروست:

دور تادور دنیا. نمایشنامه، ۳

شابک:

978-964-185-460-9

وضعیت فهرست‌نویسی:

فهیپا

یادداشت:

عنوان اصلی: Richard III. n'aura pas lieu ou

Scenes de la vie de Meyerhold

موضوع:

نمایشنامه فرانسه - قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده:

نوری، اصغر، ۱۳۵۵-، مترجم، Asghar, Asghar

رده‌بندی کنگره:

PQ۲۶۸۴/۳ ۵۴ ی ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی:

۸۴۲/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی:

۴۱۷۵۵۶۹

Ce livre est une traduction par Asghar Nuri de Richard III
n'aura pas lieu (2001) de Matèi Visniec publiée aux éditions
Lansman (2005)

برداشتی آزاد از آخرین کابوس فیوالود مایرهولد
سال ۱۹۴۰، قبل از کشته شدن در زندان به فرمان فرمانده



ریاضیات، رسم اجرا نمی شود
یا سینه هایی از زندگی مایرهولد
ماتئی ویسینی یک

مترجم: اصغر زری
ویراستار: مهرداد
چاپ اول: تهران، ۱۳۹۵
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۹۰۰۰ تومان
چاپ و صحافی: پردیس دانش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹ ۴۶۰ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

پیش‌گفتار

وزوولود مایر هولد یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کارگردان‌های تئاتر به حساب می‌آید. مایر هولد پدر تئاتر بیومکانیک بود، تئاتری که سعی می‌کرد از جنبه‌های روان‌شناسانه‌ی شخصیت‌ها دور شود و به بدن بازیگر اهمیت بدهد. بیومکانیک در تئاتر یک انقلاب بود و در قرن بیست و یکم همچنان در مشهورترین مدارس تئاتری کارگردانان آن را تدریس می‌کنند. مایر هولد برای رژیم کمونیست شوروی نمایش به اجرا آورد، در پروپاگاندا و تبلیغات حکومت روی صحنه شرکت کرد، راه خود را در تئاتر پیمود و سرانجام به دست همان رژیم کمونیست استالین دستگیر شد و در زندان به قتل رسید. به قول خودش «به عنوان یک کمونیست کشته شد». به عنوان یک کمونیست در مشقت و پنجاهی کمونیسم له و قربانی شد. به قول آلفرد هیچکاک که روی سنگ قبرش این نوشته را حک کرده: «چنین است سرنوشت پسرهای شیطون»

در کتاب مایر هولد یا اختراع میز آنسن ژرار آبنسور تعریف می‌کند

که یکی از مسئولین تئاتر شوروی برای بازبینی اجرای مایرهود به دیدن تمرین نمایش اش آمده بود. مایرهود هم که می‌دانست چقدر این بازبینی مهم است با نگرانی و اضطراب زیرچشمی واکنش‌های آقای مسئول را می‌پایید. اواسط نمایش مردک از جایش بلند می‌شود و با عصبانیت در تئاتر را پشت سرش می‌کوبد و خارج می‌شود. مایرهود هم با لباس در خیابان می‌دود اما به زمین می‌خورد و به او نمی‌رسد. روز بعد مایرهود دستگیر می‌شود و هشت ماه بعد، پس از شکنجه و اعتراف به جرم جادوگری و توتسکیسم، اعدام می‌شود...

سرنوشت مایرهود من را همیشه به یاد خاطره‌ای که خود مائتی ویسنی یک برایم تعریف کرده می‌اندازد. مائتی که مدت‌ها زیر تیغ استبداد چائوسسکو در رومانز کاخی می‌کرد، صحنه‌ی بازبینی اجرای نمایش کرگدن اوژن یونسکو را به یاد دارد. در صحنه‌ی اول نمایش هنگامی که همه قرار بود روی صحنه بلند شوند و با انگشت‌شان به نقطه‌ای اشاره کنند و بگویند: «کرگدن»؛ بازیگران کمونیست به کارگردان اعتراض می‌کنند و به او می‌گویند این سمتی که بازیگران به آن اشاره می‌کنند کاخ چائوسسکو است و نمی‌شود این سمت را نشان داد و فریاد کشید: «کرگدن»! به‌ناچار کارگردان به بازیگران می‌گوید: سمت دیگری را نشان بدهند اما باز هم با این اعتراض روبه‌رو می‌شود که این طرف ساختمان حزب کمونیست است و باز هم نمی‌شود! هر سمتی که پیشنهاد می‌شد خلاصه در بخارست یا پادگان ارتش بود، یا مسکو یا حتا خدا به سمت آسمان و شهدای کمونیسم به سمت زمین... سرانجام

کارگردان بی‌نوا با عصبانیت می‌گوید: «خب آقا، اصلاً شما بگین، خودتون بگین به کجا اشاره کنه بگه کرگدن؟» و مأمور چائوسسکو برمی‌گردد و می‌گوید: «به هیچ‌جا، عزیز من، به هیچ‌جا! حالا چه کاریه؟ بذار بگه کرگدن: و به هیچ‌جا هم اشاره نکنه!»

تینوش نظم‌جو

شهریور ۱۳۹۴